

کتاب دانیال — یک صد و شصت و چهارمین

اهمیت نبوی دانیال ۱۱: آشکار ساختن دلالت‌های تاریخی و آینده‌نگرانه

Jeff Pippenger

2024-03-28

در آیه شانزدهم دانیال یازده، فتح یهودا و اورشلیم به دست پومپه در سال ۶۳ پیش از میلاد بیان شده است. این رویداد، نمودار قانون یکشنبه‌ای است که به زودی در ایالات متحده خواهد آمد، در تحقق آیه چهل و یک همان فصل. تاریخی که با این آیه پیوند دارد، جنگی داخلی را مشخص می‌سازد که هنگام تسخیر شهر در جریان است؛ و بدین‌سان تکرار جنگ داخلی ایالات متحده را که اکنون در ایالات متحده در حال وقوع است، شناسایی می‌کند. خواه تیراندازی آغاز شده باشد یا نه، اکنون دو طبقه در کشاکشی برای به دست گرفتن کنترل ایالات متحده قرار دارند. هنگامی که پومپه اورشلیم را فتح کرد، این امر نشان داد که اورشلیم تا زمان نابودی‌اش در سال ۷۰ میلادی، تحت اقتدار روم باقی خواهد ماند. از این‌رو، آن فتح نمونه‌ای از قانون یکشنبه‌ای در شرف وقوع بود که پایان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس را مشخص می‌سازد.

پومپیوس نخستین چهار قدرت رومی است که در این بخش شناسایی شده‌اند. مارک آنتونی، که او نیز رومی بود، همچنین شناسایی شده است؛ اما از میان آن چهار قدرتی که به صورت رهبران رومی به تصویر کشیده شده‌اند، آنتونی نماینده رهبری رومی‌ای است که سر به شورش برداشته و بر ضد روم با مصر هم‌پیمان شده است. پومپیوس، ژولیوس سزار، آگوستوس سزار و تیرپیوس سزار آن چهار رومی هستند که در کاربردی نبوی برای نمایندگی چهار نسل شاخ جمهوری خواه وحش زمین به کار گرفته شده‌اند.

پومپی، که نمایانگر شورش جنگ داخلی ایالات متحده در نسل ۱۸۶۳ است، همچنین نسل آخر و «جنگ داخلی» کنونی را که اکنون آغاز شده است نیز به تصویر می‌کشد. ژولیوس سزار نماینده نسل دوم است، زمانی که ایالات متحده به طور استوار به عنوان برجسته‌ترین ملت در میان ملت‌ها استقرار یافت، اما در سال ۱۹۱۳ ترور شد، هنگامی که حاکمیت نظام مالی به نظام بانکی جهانی‌گرایان واگذار گردید و کار برپایی یک حکومت واحد جهانی آغاز شد. سزار آگوستوس نمایانگر سال‌های شکوه دو جنگ جهانی نخست است، زمانی که با وجود خون‌ریزی، ایالات متحده مایه رشک جهان گردید. سپس، در نسل آخر، تیرپیوس سزار، که به می‌گساری خود و مصلوب شدن مسیح شناخته می‌شود، نمایانگر دوره‌ای است که اساساً با انتخاب جان اف. کندی، نخستین رئیس‌جمهور کاتولیک، آغاز شد؛ و بدین‌سان نسلی را مشخص می‌سازد که در برابر روم سر فرود خواهد آورد.

این مسائل نبوی مرتبط با پومپه مهم‌اند، اما ما در حال حاضر بر تاریخ نبوی‌ای تمرکز داریم که پیش از پومپه و آیه شانزدهم قرار دارد؛ تاریخی که در دو آیه نخست این فصل آغاز می‌شود، 1989 را به عنوان زمان آخر مشخص می‌سازد، و سپس به ششمین رئیس‌جمهور ثروتمند پس از ریگان اشاره می‌کند که جهانی‌گرایان را برمی‌انگیزد، چنان‌که ترامپ بی‌تردید چنین کرده است.

ترامپ به وسیله چهارمین فرمانروا پس از کورش، یعنی خشایارشا، پادشاه ثروتمند پارس، که در روایت ایستر نیز با نام آشوروش شناخته می‌شود، به صورت نمونه پیش‌نمایی شده است. در آیات، پادشاه بعدی پس از خشایارشا در آیه سه، اسکندر کبیر است. از لحاظ تاریخی، میان خشایارشا و اسکندر کبیر هشت فرمانروا وجود داشت. از ترامپ تا حکومت واحد جهانی که به وسیله اسکندر کبیر نمایندگی می‌شود، ده پادشاه مورد اشاره‌اند؛ ترامپ نخستین و اسکندر آخرین آنان است.

خطوط نبوت مشخص می‌سازند که در پایان جهان، همه پادشاهان زمین با پاپیت زنا خواهند کرد، و این پادشاهان به صورت «ده پادشاه» نمایش داده شده‌اند. آخاب، که سر یک پادشاهی ده‌گانه بود و با ایزابل ازدواج کرده بود، بیانگر این حقیقت است که هرچند هر ده پادشاه با پاپیت زنا می‌کنند، یک پادشاه اصلی وجود دارد که نخستین کسی است که چنین می‌کند. نخستین بار که تخت زمین به پاپیت داده شد، آن پادشاه اصلی، کلوپس، پادشاه فرانک‌ها (فرانسه)، در سال 496 میلادی بود. این با آنچه پاپیت به فرانسه لقب نخست‌زاده کلیسای کاتولیک و بزرگ‌ترین دختر کلیسای کاتولیک داده است، مطابقت دارد.

کار نبوی‌ای که فرانسه با نشاندن روم بر تخت جهان متمدن به انجام رسانید، نمونه کار نبوی ایالات متحده است. قانون یکشنبه در نبوت کتاب مقدس از ایالات متحده آغاز می‌شود، و سپس هر ملتی بر روی زمین از آن الگو پیروی می‌کند. سطر پس از سطر نبوی نشان می‌دهد که پادشاه برتر آن ده پادشاه، همان که در ایام آخر نخستین و پیش از همه با مرد گناه زنا می‌کند، ایالات متحده است. هرچند در آیات دو و سه میان خشایارشا، نخستین پادشاه دولتمند، و اسکندر کبیر، آخرین پادشاه، هیچ پادشاهی به تصویر کشیده نشده است، تاریخ ده پادشاه را معرفی می‌کند. عدد ده نمایانگر آزمون است، و نیز نمایانگر یک هم‌پیمانی است.

آزمونی که جهان با آن روبه‌رو است، برپایی نظامی جهانی است که به صورت تصویر وحش بازنمایی شده است. این آزمون در ایالات متحده با قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد آغاز می‌شود و هنگامی پایان می‌یابد که هر ملت بر روی کره زمین از آن الگو پیروی کند. عیسی همواره پایان یک امر را با آغاز آن به تصویر می‌کشد؛ از این رو، هرچند در آیات دو و سه هیچ پادشاهی میان پادشاه ثروتمند و اسکندر ذکر نشده است، تاریخ فرایندی آزمایشی را مشخص می‌سازد که با ثروتمندترین رئیس‌جمهور آغاز می‌شود؛ کسی که ثروت او از فعالیت‌های تجاری‌اش به دست آمد، نه از آن رو که با مشارکت در نظام سیاسی فاسدشده ثروت تولید کرده باشد.

نام امریکه، نام "امیریگو" کی لاطینی صورت بی‌ماخوذه، جو اطالوی مهم جو امیریگو ویسپوچی کے نام سے نکلا ہے۔ وہ ایک مهم جو اور ماہر جہازرانی تھا جس نے پندرھویں صدی کے اواخر اور سولھویں صدی کے اوائل میں نئی دنیا کی جانب کئی سفر کیے۔ مجموعی طور پر، ویسپوچی کی مہمات ان سرپرستوں اور مربیوں کی مالی اعانت اور سرمایہ کاری کے باعث ممکن ہوئیں جنہوں نے نئی دنیا کی کھوج میں منافع، توسیع، اور وقار کے ممکنہ مواقع دیکھے۔ "امریکہ" کا نام منافع پیدا کرنے کی سعی کی ایک علامت ہے۔

عیسیٰ همواره پایان یک چیز را با آغاز آن به تصویر می‌کشد، و آغاز آن ده پادشاه که نمایانگر پل میان پادشاهی دوشاخهٔ مادها و پارس‌ها و حکومت واحد جهانی ممثل در اسکندر کبیر هستند، با آن پادشاه دولتمند آغاز می‌شود، که رئیس پادشاهی نمونه‌وار فرانسه و آخاب است، و او همچنین هنگامی به آن سر ممثل در اسکندر کبیر تبدیل خواهد شد که تمام جهان با اقتصاد مرتبط با قدرت ایالات متحده مواجه گردد، آنگاه که این قدرت تمام جهان را وادار می‌سازد تا در برابر کلیسای کاتولیک سر فرود آورد، اگر بخواهند بتوانند خرید و فروش کنند.

ساتواں بادشاہت، جو مکاشفہ باب سترہ میں مذکور ہے، دس بادشاہ ہیں، اور ان دس بادشاہوں کی نبوتی خصوصیات میں سے ایک یہ ہے کہ وہ صرف "تھوڑی دیر" تک قائم رہتے ہیں، اس سے پہلے کہ وہ اس بات پر متفق ہوں کہ اپنی ساتویں بادشاہت کو بابل کی فاحشہ کے حوالے کر دیں، جو خود بھی صرف "ایک گھڑی" تک قائم رہتی ہے۔ نبوتی سبب جس کی بنا پر وہ اس معاہدے کو قبول کرتے ہیں یہ ہے کہ وہ بابل کی مے سے متوالے ہیں۔ تاریخی طور پر سکندر اعظم نے بھی فقط تھوڑی مدت تک حکومت کی، کیونکہ اس کی زندگی اتنی ہی جلد ختم ہو گئی جتنی جلد اس کی سلطنت قائم ہوئی

تھی، کیونکہ وہ شراب نوشی کے سبب ہلاک ہوا؛ یوں وہ متحدہ اقوام کے دس بادشاہوں کی تھوڑی مدت اور بے نوشی کی علامت بنتا ہے۔ جیسے ہی سکندر اعظم برپا ہوا وہ ٹوٹ گیا، اور اس کی سلطنت چار ہواؤں کے حوالے کر دی گئی، اور یوں اس کے سابقہ ملک کو دوبارہ قائم کرنے کی بعد کی کشمکش کی نشان دہی ہوئی۔

اور من نیز در سال اول داریوش مادی برخاستم تا او را تأیید و تقویت کنم. و اکنون راستی را به تو خواهم نمود. اینک هنوز سه پادشاه دیگر در فارس برخاوند خاست، و چهارمین از همه ایشان به مراتب توانگتر خواهد بود؛ و او به نیروی ثروت خویش همه را بر ضد مملکت یونان برخاوند انگیخت. و پادشاهی زور آور برخاوند خاست که با سلطنتی عظیم فرمان خواهد راند و بر وفق ارادۀ خویش عمل خواهد کرد. و چون برپا شود، مملکتش منقسم خواهد شد و به سوی چهار باد آسمان تقسیم خواهد گردید؛ اما نہ برای ذریت او، و نہ بر وفق سلطنتی کہ او فرمان رانده بود؛ زیرا مملکتش از جا کنده خواهد شد و به دیگران، جز آنان، داده خواهد شد. دانیال ۴:۱۱

پادشاهی اسکندر به همان سرعتی کہ پدید آمد، از هم فروپاشید، زیرا نمایانگر ایام آخر است؛ ایامی کہ نبوت آن را با وقوعی سریع معرفی می کند.

«شر کی قوتیں اپنی افواج کو یکجا اور منظم کر رہی ہیں۔ وہ آخری عظیم بحران کے لیے اپنے آپ کو مضبوط بنا رہی ہیں۔ بہت جلد ہماری دنیا میں بڑے تغیرات رونما ہونے والے ہیں، اور آخری حرکات نہایت تیز ہوں گی۔» Testimonies, جلد 9, ص 11.

سومین وای اسلام بر ویژگی های نبوی وای اول و دوم استوار است. در وای اول، دوره ای وجود داشت کہ با ظهور محمد آغاز شد و تا دوره بعدی ادامه یافت؛ دوره ای کہ به عنوان «پنج ماه» یا یکصد و پنجاه سال شناخته می شود، کہ در آن اسلام لشکرهای روم را «آزار» می رساند. پایان نبوت زمانی یکصد و پنجاه ساله، هم زمان آغاز نبوت سیصد و نود و یک سال و پانزده روز را نیز مشخص می سازد؛ کہ در آن، اسلام وای دوم سپس لشکرهای روم را «می کشت».

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز دوره ای را رقم زد کہ به وسیلۀ محمد وای نخست نمایانده شده است؛ دوره ای کہ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را نیز در بر می گیرد، به عنوان نشانه آغاز زمانی کہ اسلام «لشکرهای روم» را در «سرزمین جلال» باستانی تحت اللفظی—کہ کنایه ای از ایالات متحدہ است—«آسیب» خواهد رساند؛ و از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حملات اسلام علیہ لشکر روم، تا زمان نگارش این مقاله در ۱۷ فوریه ۲۰۲۴، در حال نزدیک شدن به دوپست مورد است.

در قانون یکشنبه ای کہ به زودی خواهد آمد، ایالات متحدہ به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس «کشته می شود»، کہ این امر با سیصد و نود و یک سال و پانزده روز حملات اسلامی کہ سپاہیان پیشین روم را کشت، به موازات قرار دارد، آنگاه کہ جنگ سومین جہاد بزرگ آنان شدت می گیرد. هنگامی کہ میکائیل برمی خیزد، مهلت آزمون انسان پایان می پذیرد، و چهار باد در طی هفت بلای آخر به طور کامل رہا می شوند.

“من دیدم کہ خشم امت ها، غضب خدا، و زمان داوری مردگان، جدا و متمایز از یکدیگر بودند و یکی پس از دیگری واقع می شدند؛ نیز اینکه میکائیل هنوز برنخاسته بود، و آن زمان تنگی کہ مانندش هرگز نبوده است، هنوز آغاز نگردیده بود. امت ها اکنون خشمگین می شوند؛ اما هنگامی کہ کاهن اعظم ما کار خود را در قدس به پایان رسانده باشد، برخاوند خاست، جامه های انتقام را بر تن خواهد کرد، و آنگاه هفت بلای آخر فرو ریخته خواهد شد.”

“من دیدم کہ آن چهار فرشته، چهار باد را نگاه خواهند داشت تا کار عیسی در قدس به انجام رسد، و سپس آن هفت بلای آخر خواهد آمد.” Early Writings, 36.

«چهار باد» توسط خواهر وایت به صورت «اسبی خشمگین که می‌کوشد خود را رها سازد و در مسیر خود مرگ و ویرانی به بار آورد» به تصویر کشیده شده‌اند، و هنگامی که مهلت فیض به پایان می‌رسد، به طور کامل رها می‌شوند. آنان در وای دوم به صورت «چهار فرشته» ترسیم شدند، نه چهار باد.

خطاب به فرشته ششم که شیپور را داشت: «آن چهار فرشته را که نزد رود عظیم فرات بسته شده‌اند، آزاد کن.» و آن چهار فرشته آزاد شدند؛ همانان که برای ساعت و روز و ماه و سال مهیا شده بودند تا ثلث مردمان را بکشند. مکاشفه ۹:۱۴، ۱۵.

«چهار باد»، یا «چهار فرشته»، هر دو بنا بر سیاقی که این نماد در آن به کار رفته است، نماد اسلام‌اند. هنگامی که اسکندر کبیر برخاست، پادشاهی او، که نمایانگر پادشاهی هفتم است، یعنی یک‌سوم پادشاهی سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب، چنین است که: «چون او برخیزد، پادشاهی‌اش شکسته خواهد شد و به سوی چهار باد آسمان تقسیم خواهد گردید.» هنگامی که مهلت امتحان بشر به پایان رسد، چهار باد، یا چهار فرشته، رها می‌شوند و پادشاهی او را در هم می‌شکنند، زیرا پادشاهی او «شکسته خواهد شد.» آنگاه آن ده پادشاه و شریکان ایشان، یعنی تاجران جهانی‌گرا، از دور خواهند ایستاد و نوحه خواهند کرد و فریاد خواهند زد.

زیرا اینک پادشاهان گرد آمدند؛ با یکدیگر گذشتند. آن را دیدند، پس در شگفت شدند؛ مضطرب گشتند و شتابان گریختند. در آنجا ترس ایشان را فراگرفت، و درد، همچون درد زن در حال زایمان. تو کشتی‌های ترشیش را با باد شرقی درهم می‌شکنی. مزامیر 48:7-7

ساختار اقتصادی ده پادشاه به وسیله «باد شرقی» اسلام درهم شکسته می‌شود.

پاروزنانت تو را به آب‌های عظیم درآوردند؛ باد شرقی تو را در میان دریاها شکسته است. دولت تو، و بازارهایت، تجارت، ملوانانت و سکان‌داران تو، کلف‌کارانت، و متصدیان تجارت، و همه مردان جنگی تو که در تو هستند، و تمامی جماعتی که در میان تو است، در روز هلاکت به میان دریاها فرو خواهند افتاد. حزقیال 27:26، 27.

«باد شرقی» اسلام، پادشاهی ده پادشاه را در «روز هلاکت ایشان» در هم می‌شکند؛ چنان‌که پادشاهی اسکندر کبیر «شکسته» شد و به چهار باد سپرده گردید. بخش بزرگی از تاریخی که در باب یازدهم دانیال به وقوع پیوسته است، هنگامی که باب یازدهم به تحقق نهایی خود می‌رسد، بار دیگر تکرار خواهد شد. تعیین اینکه این تاریخ‌ها را در کجا باید به درستی از یکدیگر جدا کرد، کار نبوی کسانی است که خوانده شده‌اند تا شاگردان نبوت باشند. شش آیه آخر دانیال یازده در پایان مهلت آزمایش بشر خاتمه می‌یابد، آنگاه که میکائیل برمی‌خیزد. هنگامی که پادشاهی اسکندر کبیر به چهار باد تقسیم می‌شود، این امر نمایانگر پایان مهلت آزمایش است و نشان می‌دهد که تاریخ نبوی پس از آن، از آیه پنج به بعد، باید به منزله خطی تازه از نبوت در نظر گرفته شود.

آیه پنج تا آیه شانزده، تاریخ ۵۳۸ تا قانون یکشنبه‌ای در شرف وقوع را مشخص می‌کند. آیات پنج تا نه، تاریخ هزار و دویست و شصت سال حاکمیت پاپی را نشان می‌دهند که در سال ۵۳۸ آغاز شد و در زمان آخر، در ۱۷۹۸، به پایان رسید. آیه ده تاریخی را مشخص می‌کند که نمونه آیه چهل است، هنگامی که پاپیت در زمان آخر، در ۱۹۸۹، اتحاد جماهیر شوروی را جارو کرد و از میان برداشت. آیات یازده و دوازده جنگ نیابتی کنونی در اوکراین را مشخص می‌کنند که پوتین و روسیه در آن پیروز خواهند شد، اما پیامد پیروزی پوتین با «نبرد نینوا» و «سقوط خسرو» موازی خواهد بود؛ همان چیزی که «کلیدی که چاه بی‌انتها را گشود» بود و در تاریخ وای نخست، اسلام را رها ساخت.

پس از پیروزی کوتاه مدت پوتین، ایالات متحده، در آیات سیزده تا پانزده، جنگ نیابتی را پیروز خواهد شد؛ یعنی فرجام جنگ نیابتی‌ای که از زمان جنگ جهانی دوم در جریان بوده است. این بخش سه نبرد را مشخص می‌سازد: نبرد نخست در سال ۱۹۸۹، در تحقق آیات ده و چهل، به پایان رسید؛ نبرد دوم، که جنگ کنونی در اوکراین است، نمایانگر آیات یازده و دوازده است؛ و سومین جنگ نیابتی، که بیانگر پیروزی نهایی ایالات متحده است، در آیات سیزده تا پانزده ترسیم شده است.

آنچه لازم است درباره این چهار دوره که از آیه پنج تا آیه پانزده به تصویر کشیده شده‌اند شناخته شود، این است که دو دوره پایانی، که نمایانگر جنگ کنونی در اوکراین و سپس اقدام تلافی‌جویانه ایالات متحده هستند، در زمان مهر و موم رخ می‌دهند. آیه شانزده قانون یکشنبه‌ای را که به زودی در ایالات متحده خواهد آمد مشخص می‌سازد. آیات پنج تا ده تاریخ ۵۳۸ را تا زمان آخر در ۱۷۹۸، و سپس تا زمان آخر در ۱۹۸۹، بازنمایی می‌کنند. از این رو، دو نبرد جنگ نیابتی نهایی، که در آیات یازده تا پانزده بازنمایی شده‌اند، در دوره‌ای تحقق می‌یابند که در آن حزقیال فصل دوازده معرف این است که تأثیر هر رؤیا به انجام می‌رسد.

آن رؤیاها به حزقیال به صورت «چرخ‌هایی در میان چرخ‌ها» نمایانده شد؛ عبارتی که خواهر وایت آن را «تعامل پیچیده رویدادهای انسانی» می‌شناساند. تاریخ جنگ در اوکراین، پیروزی پوتین و سپس زوال او، و در پی آن پیروزی ایالات متحده، یکی از پیچیده‌ترین مکاشفات «فرمان بر فرمان» در کلام خداست.

درباره «چرخ‌های درون چرخ‌ها»ی حزقیال، خواهر وایت می‌گوید که هنگامی که حزقیال نخست آن چرخ‌ها را دید، آن صحنه به صورت آشفتگی می‌نمود؛ اما سرانجام حزقیال در آن چرخ‌ها نظم کامل را تشخیص داد، چرخ‌هایی که همان «تعامل پیچیده رویدادهای انسانی» هستند. برای آن که تاریخ بازنمایی‌شده در آیات یازده تا پانزده به درستی تقسیم شود، باید رابطه میان کلیسای کاتولیک و آلمان نازی فهمیده شود، زیرا رهبران نازی در اوکراین نمایندگان نیابتی آن رابطه‌اند.

درک نقش ظهور به اصطلاح مریم باکره در فاطیما، پرتغال، در سال ۱۹۱۸ نیز ضروری است، از جمله سه رازی که به اصطلاح مریم باکره در آن ماجرا نزد آن سه کودک بر جای گذاشت. مبنای آن سه پیام، که کشاکشی میان کلیسای کاتولیک و روسیه الحادی، و نیز جنگ جهانی دوم را توصیف می‌کنند، بخشی از پیام فاطیماست که در جنگ اوکراین بازنمایی می‌شود.

انقلاب فرانسه، و رابطه نبوی آن با کلیسای کاتولیک، و در نهایت ناپلئون بناپارت که نماد پوتین است، نیز یکی از «چرخ‌ها»ی است که در جنگ اوکراین به تصویر کشیده شده‌اند. رابطه نبوی انقلاب فرانسه با ایالات متحده نیز در تاریخ بازنمایی شده است؛ زیرا همان‌گونه که پوتین به وسیله ناپلئون نمایانده می‌شود، آن‌گاه که فرانسه در حال سقوط بود، بازیگر پیشین، رونالد ریگان، به عنوان فرمانده سپاهیان کاتولیسیسم در نبرد ۱۹۸۹، نمونه پیشین زلنسکی بازیگر را مجسم می‌سازد، آن‌گاه که اوکراین در حال سقوط است. در چرخ‌هایی که در این آیات با یکدیگر تقاطع می‌یابند و پیوند می‌خورند، آخرین ضربه برای سیاستمداران دموکرات در ایالات متحده، که زلنسکی را ترویج کرده‌اند و می‌کنند، هنگامی که پوتین چیره شود، به وسیله او برملا خواهد شد.

هم اس مطالع کو اگلے مضمون میں جاری رکھیں گے۔

«بر کنار نهر خابور، حزقیال گردبادی را دید که گویی از شمال می‌آمد، "ابری عظیم و آتشی که در خود می‌پیچید، و روشنایی بر گرد آن بود، و از میان آن چیزی چون رنگ کهربا." چندین چرخ که در یکدیگر تداخل داشتند، به وسیله چهار موجود زنده به حرکت درمی‌آمدند. بسیار فراتر از همه اینها "شبهات تختی بود، مانند منظر سنگ یاقوت کبود؛ و بر شبهات تخت، چیزی به شبهات منظر

انسانی بر فراز آن." و در کروبیان، زیر بال‌های ایشان، شکل دستِ انسان ظاهر بود." حزقیال 1:4، 26؛ 10:8. ترتیب چرخ‌ها چنان پیچیده بود که در نگاه نخست آشفته می‌نمود؛ اما با هماهنگی کامل حرکت می‌کردند. موجودات آسمانی، که به وسیلهٔ دستی در زیر بال‌های کروبیان نگاه داشته و هدایت می‌شدند، این چرخ‌ها را به پیش می‌راندند؛ و بر فراز آنها، بر تختِ یاقوت کبود، آن وجودِ ازلی قرار داشت؛ و گرداگرد تخت، رنگین‌کمانی بود، نمادِ رحمتِ الهی.»

«چنان‌که پیچیدگی‌های چرخ‌مانند زیر هدایت آن دستی بودند که در زیر بال‌های کروبیان بود، همان‌گونه بازی پیچیدهٔ رویدادهای انسانی نیز تحت فرمان الهی است. در میان کشمکش و آشوب ملت‌ها، آن‌که بر فراز کروبیان نشسته است، همچنان امور زمین را هدایت می‌کند.»

«تاریخ قوم‌هایی که یکی پس از دیگری زمان و جایگاه معین خود را اشغال کرده‌اند و ناآگاهانه بر حقیقتی شهادت داده‌اند که خود معنای آن را نمی‌دانستند، با ما سخن می‌گوید. خدا برای هر قوم و برای هر فرد امروز، در نقشه عظیم خود جایگاهی تعیین کرده است. امروز انسان‌ها و ملت‌ها با شاقول در دستِ او که هرگز خطا نمی‌کند سنجیده می‌شوند. همه، به انتخابِ خود، سرنوشتِ خویش را رقم می‌زنند، و خدا بر همه‌چیز حاکم است تا مقاصدِ خود را به انجام رساند.»

«تاریخی که آن من عظیم در کلام خویش ترسیم کرده است، با پیوند دادن حلقه پس از حلقه در زنجیرهٔ نبوت، از ازل گذشته تا ابدیت آینده، به ما می‌گوید که امروز در کجای سیر اعصار قرار داریم و در زمان آینده چه چیزی را می‌توان انتظار داشت. هر آنچه نبوت تا زمان حاضر وقوع آن را پیشگویی کرده است، بر صفحات تاریخ نقش بسته است، و می‌توانیم یقین داشته باشیم که هر آنچه هنوز در پیش است نیز به ترتیبِ خود به انجام خواهد رسید.» Education, 178.